

مثنوی ده باب کاتبی نیشابوری

دکتر عبدالسلام بیلگن*

۱ - زندگی و ترجمه حال کاتبی نیشابوری

شمس الدین محمد بن عبدالله کاتبی نیشابوری، شاعر معروف ایرانی قرن نهم هجری، در دوره تیموری زیسته و با سرودن خمسه و ترتیب دادن یک دیوان در ردیف بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین شاعران ادبیات کلاسیک ایران به شمار می‌آید. با وجود اینکه قالبها و مضامین اشعار این شاعر خوش بیان مورد تقلید بعضی از شاعران ترک مانند فضولی قرار گرفته است، اما در ادبیات ترک، به مرتبه دیگر گویندگان بزرگ ایرانی از جمله فردوسی و نظامی و سعدی و حافظ نرسیده و شهرت کافی کسب نکرده است.

چنانکه می‌دانم تاکنون در ایران نیز تحقیقات علمی درباره زندگی و آثار ادبی کاتبی به طور شایسته و بایسته به عمل نیامده و بنا به گفته استاد مرحوم احمد آتش، کلیات اشعار و یا هیچ یک از مثنویهای این شاعر پرمایه و گرانقدر در ایران چاپ نشده است. بعضی از نسخ خطی قدیم و معتبر کلیات کاتبی در کتابخانه‌های مختلف استانبول

*. عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه آنکارا، گروه زبان و ادبیات فارسی.

مستقر است و من در این مقاله کوشش کرده‌ام که شمه‌ای از زندگی و ترجمهٔ احوال و آثار کاتبی سخن گفته و بیشتر به شناسائی مثنوی ده باب او که شاعر به قصد پرورش اخلاقی پسر خود «عنایت» به نظم آورده است، بپردازم و چند نسخهٔ خطی از این منظومه را که مستقر در کتابخانه‌های استانبول می‌باشد معرفی کنم.

با وجود اینکه بعضی از تذکره نویسان زادگاه کاتبی را نیشابور و برخی دیگر از آنها «ترشیز» دانسته و نوشته‌اند، شاعر خود در اشعارش، در این خصوص چنین می‌گوید:

همچو عطار از گلستان نیشابورم ولی خاک صحرای نیشابورم من و عطار گل^۱
کاتبی دوران جوانی خود را در نیشابور گذرانید و چنانکه از اشعارش برمی‌آید، به کسب علوم و فنون زمان خود توفیق یافت. او در کنار آموختن فنون مختلف شعر به هنر خوشنویسی هم دلبستگی فراوان داشت و استاد او در این زمینه سیمی نیشابوری بود که او نیز یکی از شاعران و هنرمندان قرن نهم هجری به شمار می‌رفت. کاتبی در این فن چنان پیشرفت سریعی از خود نشان داد که بنا به روایت بعضی از تذکره نویسان از جمله دولت‌شاه سمرقندی محسود استاد خود گردید و مجبور شد ترک نیشابور بگوید و به هرات برود. اگر چه این مطلب کاملاً روشن نیست، اما از گفته‌های کاتبی همین قدر مسلم است که او استاد خود را که در اواخر عمر خود از نیشابور به مشهد روی نهاده بود، بدزدیدن اشعار خود متهم ساخته و چنین گفته است:

میان شهر نیشابور سیمی چو اشعار ملیح کاتبی دید^۲
به مشهد رفت و بر نام خودش بست نمک خورد و نمکدان را بدزدید

با توجه به اینکه هرات در آن عهد بزرگ‌ترین مرکز علم و ادب بود و حکمرانان تیموری از عالمان و هنرمندان حمایت می‌کردند، می‌توان تخمین زد که کاتبی برای تکمیل تحصیلات خود به آن شهر مسافرت کرده باشد. هنگامی که شاعر در هرات به سر می‌برد به خدمت «بایستقر» پسر «شاهرخ» راه جست. اما بنا به قول تذکره نویسان نتوانست مورد تقدیر و علاقهٔ این شهزادهٔ علم و ادب دوست قرار بگیرد. شاعر به همین سبب دل آزرده از هرات جدا شد و به «استراباد» روی نهاد. سپس از آنجا به مازندران و گیلان و شروان رفت.

کاتبی در شروان به خدمت میرزا «شیخ ابراهیم شروانی» راه یافت و به ستایش او پرداخت و در مقابل چند قصیده‌اش جایزه‌های بسیار از مدوح خود گرفت. پس از مدتی شاعر از شروان به آذربایجان رفت و به خدمت «اسکندر بن قرا یوسف

قراقیونلو» رسید و چند قصیده در مدح او سرود، ولی چون نتوانست از او نیز التفاتی حاصل نماید، ترک آذربایجان گفت و روی به اصفهان نهاد.

زندگی کاتبی پس از رفتن به اصفهان به کلی تغییر یافت. زیرا شاعر در آنجا به خدمت خواجه «صائن الدین علی بن محمد تُرکه» از بزرگان علمای عهد خود تقرب یافته و از حضور وی کسب فیض فراوان نموده است. بالاخره شاعر از اصفهان، اول به رشت و سپس دوباره به استراباد مراجعت نمود و به روایت دولتشاه در سال ۸۳۹ هجری قمری در نتیجه «وبای» عام در آن شهر زندگی را بدرود گفت.

۲- آثار ادبی کاتبی نیشابوری

تاکنون از کاتبی یک دیوان و خمسه یعنی پنج مثنوی به عهد ما رسیده است که همه این اشعار کلیات شاعر را تشکیل می‌دهد. دیوان کاتبی حاوی اشعاری در قالبهای مختلف قصیده، غزل، قطعه، معما و فردیات می‌باشد و عدد ادبیات آن با توجه به نسخه‌ای که در کتابخانه دانشگاه استانبول وجود دارد و مورد تحقیق و بررسی ما هم قرار گرفته، ۵۸۴۶ بیت است. خمسه کاتبی دارای پنج مثنوی می‌باشد که خصوصیات آنها به قرار زیر است:

مثنوی اول - گلشن ابرار: کاتبی این مثنوی را به تقلید از مخزن الاسرار نظامی گنجه‌ای و در بحر سریع به نظم آورده است که با توجه به نسخه دانشگاه استانبول (بخش کتابهای فارسی، شماره: ۵۰۴) دارای ۸۳۹ بیت می‌باشد.

مثنوی دوم - مجمع البحرین: این منظومه نیز به صورت تقلید از خورشید و جمشید سلمان ساوجی و هما و همایون خواجوی کرمانی به قلم آمده است و موضوع آن عشق عرفانی دو قهرمان ناظر و منظور می‌باشد. این مثنوی حاوی ۱۱۵۵ بیت است.

مثنوی سوم - ده باب: چنانکه قبلاً ذکر شد، این منظومه متضمن حکایات پندآمیز اخلاقی است و کاتبی آن را به منظور تربیت پسر خود «عنایت» نظم کرده و تقلیدی است از بوستان سعدی و به وزن آن. راجع به این مثنوی بعداً به طور تفصیل سخن خواهیم گفت.

مثنوی چهارم - سی نامه: این منظور چنانکه از عنوانش معلوم می‌شود، متشکل از سی نامه است که عاشق به معشوقی، محب و محبوب نام به یکدیگر نوشته‌اند. کاتبی این مثنوی را نیز به تقلید از شاعران ده نامه گوی مانند اوحدی مراغه‌ای، عماد فقیه و ابن

عماد شیرازی به سلک تحریر آورده ولی به «ده» نامه اکتفا نکرده و کار را به «سی» کشانیده است. سی نامه دارای ۱۲۴۶ بیت می‌باشد و در بحر هزج نظم شده است.

مثنوی پنجم - دلربای: مثنوی دیگری است از خمسه کاتبی که منظومه‌ای است عرفانی و موضوع آن سرگذشت قباد پادشاه یمن با وزیر او و حاوی ۵۰۹ بیت است.

۳ - مثنوی ده باب کاتبی نیشابوری

بعد از این معرفی مختصر راجع به ترجمه احوال و آثار ادبی کاتبی، با توجه به اینکه بنده بیشتر علاقمند به منظومه ده باب شاعر بوده‌ام و مثنوی مذکور را مورد تحقیق علمی کار خود قرار داده و متن انتقادی آن را با مقابله پنج نسخه قدیم معتبر تهیه کرده‌ام. میل دارم درباره موضوع آن اطلاعات بیشتر به عرض برسانم و به توصیف نسخه اصلی و چهار نسخه بدل مورد استفاده ده باب پردازم.

مثنوی ده باب در بحر رمل بنا به قدیمی‌ترین نسخه‌ای که در کتابخانه ملت استانبول در میان کتابهای فارسی بخش علی امیری به شماره ۱۰۳۶/۱ مقید است، دارای ۱۱۷۰ بیت می‌باشد و چنین آغاز می‌شود:

ای به رحمت در دو عالم کار ساز	جمله عالم را به رحمت کار ساز ۳
ای که هستی گم‌رهان را رهنمای	کرده‌ام ره گم به لطفم ره نمای
دفتر لوح و قلم را کاتبی	خط عفوی کش به جرم کاتبی

مثنوی ده باب کاتبی نیشابوری متضمن یک مقدمه و ده باب که هر یکی به موضوعی معین اختصاص داده شده و یک خاتمه می‌باشد. در مقدمه شاعر پس از مناجات به خدا و نعت پیغمبر، پادشاه عهده خود را که نام او ظاهراً معلوم نیست، مورد خطاب قرار می‌دهد و در چند بیت به او نصیحت می‌کند که این دنیا گذران و حتی به اسکندر هم وفادار نبوده است، پس باید در برابر رعیت نرم خوی و معتدل بود و با آنان به عدل و انصاف رفتار کرد.

پس از اینکه شرح مفصل سبب نظم ده باب خود را می‌دهد، اول نام نظامی صاحب پنج گنج را می‌برد و بعد شروع به اطلاع داده راجع به هر یک از فصلهای دهگانه این منظومه پرداخته چنین می‌گوید:

از نظامی همتی در خواستم	راست آمد عاقبت در خواستم ۴
مشمول این فصل بر ده باب شد	نام نیک این نسخه را ده باب شد

باب اول در طریق عاشقی
 باب ثانی بهر صحبت داشتن
 باب ثالث ترک عجب و گمراهی
 باب رابع شامل عزت بود
 باب خامس در نکویی با همه
 باب سادس در گذشتن از بدی
 باب سابع آمده است از قانعی
 باب ثامن هست چون باغ بهشت
 باب تاسع از همه بودن جدا
 باب عاشر ترک خود کردن به کل

باب تست ای کاتبی چون عاشقی
 باید این را نقل صحبت داشتن
 عجب را بگذار اگر نه گمراهی
 رو به عزت باش تا عزت بود
 هم ترا به گر نکویی با همه
 باید آری در گذشتن از بدی
 باش همچون قانعان از قانعی
 کش چون بینی غم ز دل باید بهشت
 روی آوردن ز جمله با خدا
 راست چون جزوی که پیوندد به کل

در باب اول کاتبی عشق عرفانی را مورد بحث و گفتگو قرار داده و به لزوم عاشق بودن انسان چنین اشارت نموده است:

عش و ورزید آدم و تو آدمی
 کاتبی می‌باش دایم عشق دوست
 باب دوم درباره دوری جستن از صحبت با مردم نادان است و شاعر در این خصوص می‌گوید:

عشقت از نبود نخوانند آدمی^۵
 ز آنکه نتوان یافت همچون عشق دوست
 صحبت نادان بود سر جمله غم^۶
 و رفتد صحبت به جاهل زینهار

در باب سوم کاتبی از ضررهای عجب و تکبر سخن گفته و به لزوم ترک خود پسندی اشارت نموده است:

گر ترا رسم تکبر عادتست
 عجب آرد مرد را سر کوفتن
 یادگار این از ثمود و عادتست^۷
 عجب را باید به پا سر کوفتن
 در باب پنجم شاعر می‌گوید که انسان باید نسبت به هر کس مهربان باشد و با همه مردم خوب رفتار کند:

گر ترا رسم تکبر عادتست
 عجب آرد مرد را سر کوفتن
 یادگار این از ثمود و عادتست^۷
 عجب را باید به پا سر کوفتن
 در باب پنجم شاعر می‌گوید که انسان باید نسبت به هر کس مهربان باشد و با همه مردم خوب رفتار کند:

هم تو نیکو کار و هم نیکو درو^۸
 رو نکو می‌کن که بد جز بد نکرد
 کاتبی باب هفتم را به قناعت و بی طمع بودن انسان اختصاص داده است که در این خصوص می‌گوید:

آنکه نیکو کاشت شد نیکو درو
 هیچ نیکی در زمانه بد نکرد
 کاتبی باب هفتم را به قناعت و بی طمع بودن انسان اختصاص داده است که در این خصوص می‌گوید:

آنکه قانع گشت همچو گل شکفت باش قانع کت بود چون گل شکفت^۹
 از قناعت خویش را ره توشه ساز راه پیشست از پی ره توشه ساز
 در باب هشتم، شاعر از ناپایداری و گذران بودن دنیا تأسف می خورد و به اهمیت
 عیش و عشرت و خوشگذرانی زمان با دوستان اهل دل اشارت می نماید:
 بعد از اینها کار عشرت ساز کن مست شو و آهنگ جام و ساز کن^{۱۰}
 خویش را می دار خوش این پنج روز ز آنکه گردد شب پس از این پنج روز
 باب نهم، برعکس باب هشتم راجع به عزلت گزینی و دوری جستن از مردم و مبارزه
 کردن انسان با نفس خویش و به حق پیوستن او می باشد. در این خصوص شاعر چنین
 گفته است:

وصل با عالم چه حاصل فصل به ور همه یابی ترا این فضل به^{۱۱}
 کاتبی با نفس صاحب حمله باش با خود آ زینهار و دور از جمله باش
 کاتبی در خاتمه ده باب با ادای یک پدر مهربان به پسر خود «عنایت» نصیحت
 می کند و بعد از ذکر اسامی بعضی از شاعران مشهور ایران از جمله فردوسی و انوری و
 خاقانی و عنصری و عطار و مولانا و سعدی و حافظ، سخن را چنین به پایان می رساند:
 گر دهی داد سخن را چون کمال غیر نقصانت نباشد زان کمال^{۱۲}
 ختم قرآن به از این چون حافظت ختم کن حق باد یار و حافظت

۴ - توصیف بعضی از نسخه های مثنوی ده باب

قبل از اتمام سخن اول لازم می دانم که مطالب چند راجع به توصیف قدیمی ترین
 نسخه مثنوی ده باب کاتبی مستقر در کتابخانه ملت استانبول عرض کنم. نسخه مذکور
 ده باب که در میان کتابهای فارسی بخش علی امیری همین کتابخانه، به شماره
 ۱۰۳۶/۱ مقید است، در یک مجموعه ۵۸ ورقی جای دارد. متن ده باب ما بین
 صفحه های ب ۴۲ - ب ۱ همین مجموعه آمده و تاریخ استساخ آن در آخر کتاب سال
 ۸۵۲ هجری قمری ذکر شده است. اما اسم مستنسخ نامبرده نیست. همین نسخه بود که
 بنده آن را با علامت اختصاری M نشان داده و نسخه اصلی برای متن انتقادی خود
 انتخاب کردم و با استفاده از چهار نسخه دیگر مقابله نمودم. همین چهار نسخه بدل که
 برای تصحیح متن انتقادی ده باب مورد استفاده بسیار قرار گرفت به شرح زیر است:
 ۱ - نسخه T: کتابخانه دانشگاه استانبول، بخش کتابهای فارسی، شماره: ۱۰۵۰.

تاریخ استنساخ این نسخه ۸۶۴ هجری قمری است و مستسخ آن معلوم نیست.

۲- نسخه L: این نسخه در یک کلیات کاتب مستقر در کتابخانه سلیمانیه در بخش لالا اسماعیل جای گرفته و به شماره ۵۷۴ مقید می‌باشد و در سال ۸۶۵ به دست یک کاتب به نام شرف الدین حسین المشهدی استنساخ شده است.

۳- نسخه Ü: این نسخه نیز جزو یک کلیات کاتبی موجود در کتابخانه دانشگاه استانبول است که در ردیف کتابهای فارسی به شماره ۵۰۴ قید شده است و ظاهراً شخصی به نام سلطان علی، آن را در سال ۸۶۷ هجری قمری استنساخ نموده است.

۴- نسخه A: جزوی است از یک نسخه کلیات کاتبی مستقر در بخش آیا صوفیه کتابخانه سلیمانیه در استانبول به شماره ۴۲۲۰. این نسخه ده باب را مستسخی به نام منعم الدین الاوحدی مقیم شیراز در سال ۹۱۱ هجری قمری کتابت نموده است.

پی‌نوشتها

۱. کلیات کاتبی نیشابوری، نسخه خطی کتابخانه دانشگاه استانبول، بخش کتابهای فارسی، شماره: ۵۰۴، ورق: ب ۲۸.
۲. کلیات کاتبی، همین نسخه، ورق: ب - آ ۱۵۴.
۳. نسخه خطی مثنوی ده باب کاتبی نیشابوری، کتابخانه ملت استانبول، کتابهای فارسی بخش علی امیری شماره: ۱۰۳۶/۱، ورق: ب ۱. این نسخه در پاورقیهای بعدی با علامت اختصاری «ده باب» نشانه داده شده است.
۴. ده باب، ورق: آ ۸.
۵. ده باب، ورق: ب ۱۰.
۶. ده باب، ورق: ب ۱۲.
۷. ده باب، ورق: ب ۱۵.
۸. ده باب، ورق: ب ۲۳.
۹. ده باب، ورق آ ۲۹.
۱۰. ده باب، ورق: ب ۳۲.
۱۱. ده باب، ورق: ب ۳۷.
۱۲. ده باب، ورق: ب ۴۲.